

۲۰۵۰۴۱۴

تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران-۱۷

انتشارات شیرازه کتاب ما

www.ketab.ir



ایل قشقایی

در جنگ جهانی اول

www.ketab.ir

ناصر ایرجی

سرشناسه	: ایرجی، ناصر، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور	: ایل قشقایی در جنگ جهانی اول / ناصر ایرجی.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۳ص. ۵/۲۱۵۵/۱۴ س م.
فروست	: تاریخ معاصر ایران؛ ۱۷.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۳-۱۶-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۱-۱۳۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: نمایه.
موضوع	: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م. — ایران — فارس — Iran—Fars, 1914-1918—Word War,
موضوع	: قشقایی Qashqai Turkic People
موضوع	: فارس — تاریخ — قرن ۱۴ — 20 th Century — History — Fars(Iran.Province)
موضوع	: ایران — تاریخ — قرن ۱۴ — دخالت انگلستان
موضوع	: Iran—History—20 th Century—Participation, British
رده بندی کنگره	: DSR1۴۶۱/۵
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۵۲
شماره کتابشناسی	: ۵۸۲۱۲۶۳

www.ketab.ir

ایل قشقایی

در جنگ جهانی اول

نویسنده: ناصر ایرجی

انتشارات: شیرازه کتاب ما

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

چاپ سوم: خرداد ۱۴۰۳

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

.....	۶۸
.....	۷۷
.....	۵۷
.....	۰۸
.....	۵۸
.....	۱۲
.....	۰۷

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه	هفت
پیشگفتار	یازده
بخش اول: قشقای ها	۱
سابقه تاریخی	۳
صولت الدوله و اعاده قدرت ایلی	۱۰
بخش دوم: فارس و جنگ بین الملل	۲۱
پیشینه ای از کشمکش های محلی	۲۴
جبهه جنوب	۲۹
واکنش قشقای؛ همراهی محتاطانه با ملیون	۳۸
کودتای ژاندارمری در فارس	۴۴
قشقای ها و ژاندارمری	۴۹
بخش سوم: اقتدار بریتانیا	۵۵
ایالت فارس	۵۶
پلیس جنوب	۶۰
مقاومت کازرون	۶۴

www.ketab.ir

یادداشت دبیر مجموعه

اندک زمانی بعد از شروع جنگ جهانی در تابستان ۱۹۱۴، با توسعه دامنه رویارویی نظامی نیروهای متفق - روس و انگلیس و فرانسه... - از یک سو و قدرت‌های مرکز - آلمان و اتریش و عثمانی... - از سوی دیگر، بخش‌های وسیعی از ایران بی‌طرف نیز به صحنه جنگ و جدل تبدیل شد. به همان نسبت که توسعه دامنه جنگ به خاک ایران و لهذا حضور نظامیان بیگانه در آن با مراحل و مقاطع متفاوتی توأم شد، به همان نسبت نیز نوع واکنش ایرانیان در برابر این تحولات، صور متفاوتی به خود گرفت. بسیاری از این واکنش‌ها مانند وقایع کردستان و آذربایجان در شمالغرب، تحولات تنگستان و دشتی در جنوب یا سفر مهاجرت در مراحل نخست جنگ با نوعی همراهی از یکی از طرفین متخاصمین بر ضد دیگری - و در این مورد مشخص هواداری بخشی از نیروهای سیاسی کشور از آلمان و عثمانی بر ضد روس و انگلیس - همراه شد و سرنوشت نهایی آن‌ها نیز کم و بیش تحت الشعاع نفوذ و اقتدار هر یک از قدرت‌های مزبور در آن دوره مشخص قرار گرفت. ولی در کنار آن بودند نوع دیگری از واکنش‌ها که در مقطعی دیگر و بدون ارتباط با رقابت و رویارویی قدرت‌های خارجی در کشور شکل گرفته و بروز پیدا کردند. یکی از نمونه‌های بارز این رشته، مبارزه و رویارویی ایل قشقایی است در برابر حضور نظامی بریتانیا در فارس در مراحل پایانی جنگ.

این رشته از مبارزات رهایی بخش ایران بر خلاف دوره نخست آن که تحت الشعاع رویارویی متحدین و مستفقین در کشور بود بیشتر حاصل دگرگونی‌های ناشی از فروپاشی امپراتوری تزاری در پی انقلاب ۱۹۱۷ بود و خلل حاصله از این رخداد بر چیرگی متفقین بر ایران. در این مرحله نه فقط در فارس، که در بسیاری از دیگر نقاط کشور نیز حرکتی خودجوش در جهت استیفای حقوق از دست رفته ایران و اعاده حاکمیت ملی صورت گرفت. در نقاطی چون تهران، آذربایجان و خراسان... این حرکت بیشتر وجهی سیاسی یافت و به صورت احیاء فعالیت‌های حزبی و فرقه‌ای بروز کرد و در نقاطی دیگر چون گیلان و فارس... که زمینه از لحاظ نظامی نیز مستعد بود، گذشته از تحركات سیاسی، جنبه‌ای مسلحانه نیز یافت.

رویارویی ایل قشقایی با انگلیسی‌ها که از لحاظ نظامی یکی از جدی‌ترین مقاومت‌ها بود که در برابر تجاوز قوای بریتانیا به ایران صورت گرفت، بنا به دلایلی چند تا از جمله آنکه آن از مجموعه واکنش‌های دسته اول که بخش اصلی بررسی‌های موجود تحولات ایران را در دوره مورد بحث به خود اختصاص داده‌اند - تاکنون به نحو شایسته‌ای مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است و لهذا این کتاب را می‌توان نخستین بررسی مستقل از این موضوع به شمار آورد. و نخستین بررسی‌های مستقل از یک موضوع نیز طبعاً در کنار نقاط قدرتی چون ارائه داده‌های نو و طرح جوانبی از بحث که تا پیش از آن مورد توجه نبوده‌اند، می‌تواند مواردی را که هنوز به درستی شناخته نیست و جای تحقیق و بررسی بیشتر دارد نیز خاطر نشان سازد. یکی از این موارد که هنوز به درستی روشن نیست مواضع دولت مرکزی در قبال تحولات فارس و بویژه جنگ قشقایی با قوای بریتانیا است؛ در حالی که پاره‌ای از منابع انگلیسی از همراهی تلویحی دولت وقت از این رویارویی یاد کرده‌اند، در اسناد و داده‌های موجود نشانه‌ای متقن دال بر تایید این امر ملاحظه نمی‌شود. روشن شدن این موضوع تا حد زیادی منوط به دسترس گسترده‌تر به اسناد دولتی است. به همین ترتیب موضوع دیگری که هنوز مبهم مانده رابطه رهبری قشقایی با نیروهای سیاسی شیراز - بویژه حزب دموکرات فارس - است. در این که در خلال تحولات مورد

بحث میان این دو حرکت هماهنگی‌هایی وجود داشت تردید نیست ولی کم و کیف آن به هیچ وجه روشن نمی‌باشد.

اصولاً تاریخ معاصر فارس - بویژه تحولات شهری آن - از سال‌های مقارن با مقدمات مشروطه تا دوره‌های اخیر، در قیاس با تحرکاتی که هم‌زمان در بسیاری از دیگر ایالات ایران جریان داشت، کماکان موضوع ناشناخته‌ای است و هنوز به درستی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است به همین جهت همان معدود نوشته‌هایی نیز که در این زمینه موجود است بیشتر تحت‌الشعاع تحولات حوزه‌های پیرامونی آن، و در این مورد بخصوص تحولات عشائری فارس است.

یکی دیگر از مضامینی که در این نوع بررسی‌ها جای توجه و پیگیری بیشتر دارد موضوع روابط درون ایلی است؛ روابط و مناسبات تیره‌ها و طوایف با یکدیگر و به همین تناسب روابط طوایف با رهبری ایلی و تأثیر کلی این امر بر ساختار سیاسی و اداری ایلی که مورد مطالعه تعیین‌کننده و در عین حال کمتر شناخته شده مؤثر بر کارکرد سیاسی حرکت‌های عشائری است. برای مثال درک و شناخت رخدادهای مهمی چون علل جدا شدن بخشی از تیره‌های قشقایی از حرکتی که بر ضد انگلیسی‌ها جریان داشت تا حدود زیادی به آگاهی از این بخش زمینه‌ساز است که هنوز به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته است.

کاوه بیات

پیشگفتار

در اوایل قرن حاضر در پی جنبش‌های اصلاح‌آرایی و مقابلهٔ دول بزرگ و قدرتمند استعماری سرانجام در سال ۱۹۱۴ میلادی جنگ جهانی‌گیر اول بین انگلستان و روسیه و فرانسه از سویی که نام متفقین یافتند آلمان و اطریش و عثمانی از سوی دیگر که متحدین نامیده شدند، شروع شد. در این میان کشور ایران نیز از مصایب جنگ در امان نماند. زیرا انگلستان و روسیه مدت زمان درازی بود که در ایران و همسایگی آن حضور داشتند و برای ازدیاد نفوذ خود در منطقه برنامه‌های بلندمدتی را طرح‌ریزی کرده بودند. از سوی دیگر عثمانی نیز با ایران هم مرز بود و آلمان به عنوان یک نیروی تازه‌نفس تلاش می‌کرد تا در کنار اتحاد با عثمانی‌ها، ایران را نیز به طرفداری از خویش وارد جنگ نماید.

سرانجام با وجود اعلام بی‌طرفی از جانب دولت ایران، دول متحارب این بی‌طرفی را که از روی ضعف و اضطراب اعلام شده بود محترم نشمرده و هرکدام با اعزام نیروهایی به داخل ایران سعی در تقویت مواضع خویش کردند. علاوه بر این هرکدام از طرفین تلاش کردند که با استفاده از عناصر محلی اوضاع را به نفع خویش برگردانند. در این سالها بخشی از میلیون‌ها ایرانی جنگ را فرصت مناسبی دانستند برای رهایی از یوغ استیلای روس و انگلیس و طبیعتاً روی به جانب آلمان آوردند.

در ایران آن دوره نیروهای اجتماعی متفاوتی وجود داشتند. یکی از این نیروهای اجتماعی کشور که به نحوی گسترده درگیر این تحولات شد ایلات و عشایر کوچ‌نشین بود که در طول تاریخ در این سرزمین حضور دیرینه داشتند. قشقای ها از جمله این ایلات بودند.

قشقای اتحادیه ایلی ترک‌زبانی است که از اواخر صفویه در جنوب ایران از گردهم‌آیی و انسجام تیره‌ها و طوایف مختلف شکل گرفت. اقتدار قشقای در نیمه اول حکومت قاجاریه به حدی رسید که قاجاریان با تدابیری چون ایجاد ایل خمسه در صدد تضعیف آن برآمدند. علی‌رغم این تدابیر در اواخر قاجاریه اسماعیل خان صولت‌الدوله، ایلخانی وقت قشقای توانست با استفاده زیرکانه از هر وسیله سیاسی ممکن دوباره ایل قشقای را به عاملی قدرتمند در میان عوامل سیاسی ایران تبدیل کند. او در خلال انقلاب مشروطیت جانب مشروطه‌خواهان را گرفت و پس از آن نیز در تحولات جنگ مشارکت کرد. موضع وی در طول جنگ ثابت نبود و در مراحل مختلف با توجه به مقتضیات سیاسی وقت و موقعیت زمانی تغییر کرد.

موضع قشقای و رهبری آن را در طول جنگ می‌توان به سه مرحله متفاوت تقسیم کرد: مرحله اول که از سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۳۳۱ هجری یعنی از زمان شروع جنگ آغاز شده تا سال ۱۹۱۵ / ۱۳۳۴ ادامه دارد، که در خلال آن هیچ‌کدام از طرفین جنگ به طور قاطع بر اوضاع مسلط نبوده و دوران زورآزمایی و ارزیابی نیروی مقابل بود. در این دوره قشقای ها سیاست انتظار را در پیش گرفته بودند، هرچند به طور ضمنی از نیروهای مخالف بریتانیا حمایت می‌کردند. مرحله دوم که از سال ۱۹۱۶ / ۱۳۳۴ شروع شده و تا اوایل سال ۱۹۱۷ / ۱۳۳۶ به طول انجامید. این مرحله زمان تحکیم قدرت متفقین و پراکندگی طرفداران متحدین بود و در خلال آن قشقای ها روابط مسالمت‌آمیزی با انگلیسی‌ها داشتند. مرحله سوم از سال ۱۹۱۷ / ۱۳۳۶ آغاز شد و تا پایان جنگ طول کشید که با فروپاشی دولت تزاری و تضعیف متفقین و اوج‌گیری احساسات ضد انگلیسی در ایران توأم شد. قشقای ها نیز متأثر از اوضاع سیاسی کشور، به رودرویی با نیروهای انگلیسی برخاستند.

در آغاز این بررسی توضیحاتی در مورد جغرافیای تاریخی قشقای، موقعیت ایران و روابط دولت‌های درگیر در جنگ با ایران بیان خواهد شد. سپس ارتباط این حوادث را با موقعیت سیاسی داخل کشور بررسی خواهیم نمود. علاوه بر این، تأثیر سیاست‌های هرکدام از طرفین جنگ را بر دولت مرکزی ایران و رابطه رهبری قشقای با جریان‌های داخلی ایل و قدرتهای محلی جنوب کشور و ایالت فارس و حکومت مرکزی را بازگو کرده آنگاه آثار متقابل این عوامل و علل و نتایج جنگ را که موضوع اصلی این بررسی است، بیان می‌کنیم.

ناصر ابرجی

پاییز ۱۳۷۸

www.ketab.ir